



دانش؛ نخستین مجله خراسان

سیدمهدی سیدقطبی^۱

چکیده

اگرچه روزنامه‌نگاری در ایران با انتشار کاغذ اخبار در سال ۱۲۵۲ قمری/ ۱۲۱۵ خورشیدی پدید آمد اما نخستین نشریه خراسان (روزنامه ادب) ۶۶ سال بعد از انتشار کاغذ اخبار در ۱۳۱۸ قمری چاپ گردید. درباره نخستین‌های مجله نگاری ایران و خراسان تفاوت زمانی کمتر بود بطوری که نخستین مجله خراسان (دانش) بعد از گذشت تنها بیست سال از انتشار نخستین مجله ایران (فلاحت مظفری) منتشر شد. این مقاله ابتدا به شرح تاریخچه مجله‌نگاری در ایران و خراسان می‌پردازد. سپس بطور مفصل مشخصات ظاهری مجله دانش، مسئولان انتشار آن، زمینه‌های پیدایش و هدف نشریه، چگونگی محتوای مجله، خط مشی نشریه برای پذیرش مقالات و دلایل توقف مجله دانش ارائه شده است. **کلیدواژه‌های موضوعی:** مجله دانش، سیدمحمد دانش بزرگ‌نیا، حزب دموکرات ایران شاخه خراسان، مجله‌های خراسان.

مقدمه

مطبوعات در ایران در یکصد و هفتاد و هشت سال پیش با انتشار روزنامه کاغذ اخبار میرزا محمدصالح شیرازی به سال ۱۲۵۲ قمری برابر سال ۱۲۱۵ خورشیدی در تهران پدید آمد. اما حدود ۶۶ سال از انتشار کاغذ اخبار گذشت تا نخستین نشریه مشهد به نام ادب الممالک فراهانی منتشر گردید.

روزنامه ادب از چهارم رمضان ۱۳۱۸ قمری/ ۲۶ دی ۱۲۷۹ خورشیدی به مدت سه سال در مشهد منتشر گردید و پس از انتقال اداره آن نشریه به تهران، ادامه انتشارش در آنجا پیگیری شد. اما نخستین مجله مطبوعات ایران - که تفاوت‌هایی محتوایی و ظاهری با روزنامه دارد - تقریباً همزمان با روزنامه ادب خراسان منتشر گردید. «مجله به مدرکی جلد شده و ادواری گفته می‌شود که به طور منظم و با فاصله انتشار مرتب و تحت شماره دریف و دوره و تاریخ معین در زمینه‌های گوناگون (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، کشاورزی و...) بیش از دو بار در سال منتشر شود و در تهیه مطالب آن بیشتر از یک نفر مشارکت داشته باشد و نیز دارای بیشتر از یک مقاله باشد» (قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۵۶۵).

نخستین نشریه ادواری که در شکل مجله در ایران انتشار یافت «فلاحت مظفری» نام دارد که در جمادی الاولی ۱۳۱۸ قمری در تهران از سوی اداره کل فلاحت در زمینه علمی و کشاورزی منتشر شد. اما هنوز بیست سال از انتشار فلاحت مظفری نگذشته بود که «دانش»؛ نخستین مجله خطه خراسان به همت محمد دانش در سال ۱۳۳۸ قمری انتشار یافت.

با بررسی و مطالعه فهرست نشریات کتابخانه‌های مختلف کشور مشخص شد به جزء کتابخانه آستان قدس رضوی هیچیک از آرشیوهای بزرگ ایران^۲ (کتابخانه ملی جمهوری اسلامی)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (آشوری، ۱۳۸۷)،

^۱. کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی و کارشناس تالار مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی،

mehdi.qotbi@gmail.com

^۲. <http://www.nlai.ir>



کتابخانه مرکزی فارس (سودبخش، ۱۳۶۸)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی (حیدری، ۱۳۸۹) و (امیری، ۱۳۸۸) نسخه‌ای از مجله دانش ندارند.

درباره مجله دانش تاکنون اطلاعات مختصری تنها در سه منبع مطبوعاتی وجود دارد. در کتاب نام‌ها و یادها (شهبازی، ۱۳۸۳، ص ۸۱)، فقط اطلاعات کوتاهی در حد یک پاراگراف، در کتاب اسناد مطبوعات (بیات و کوهستانی، ۱۳۷۲، ص ۳) سه سطر و در کتاب تاریخ مطبوعات ایران: عصر قاجار (قاسمی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۵) در حد یک سطر به مجله دانش پرداخته است. در کتاب روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان (از آغاز تا سال ۱۳۲۰ خورشیدی) نوشته حسین الهی، شناسنامه مطبوعات ایران از مسعود برزین و کتاب تاریخ جرائد صدر هاشمی، اطلاعاتی درباره مجله دانش یافت نشد. بنابراین مقاله حاضر نخستین پژوهش مفصل درباره مجله دانش چاپ مشهد است.

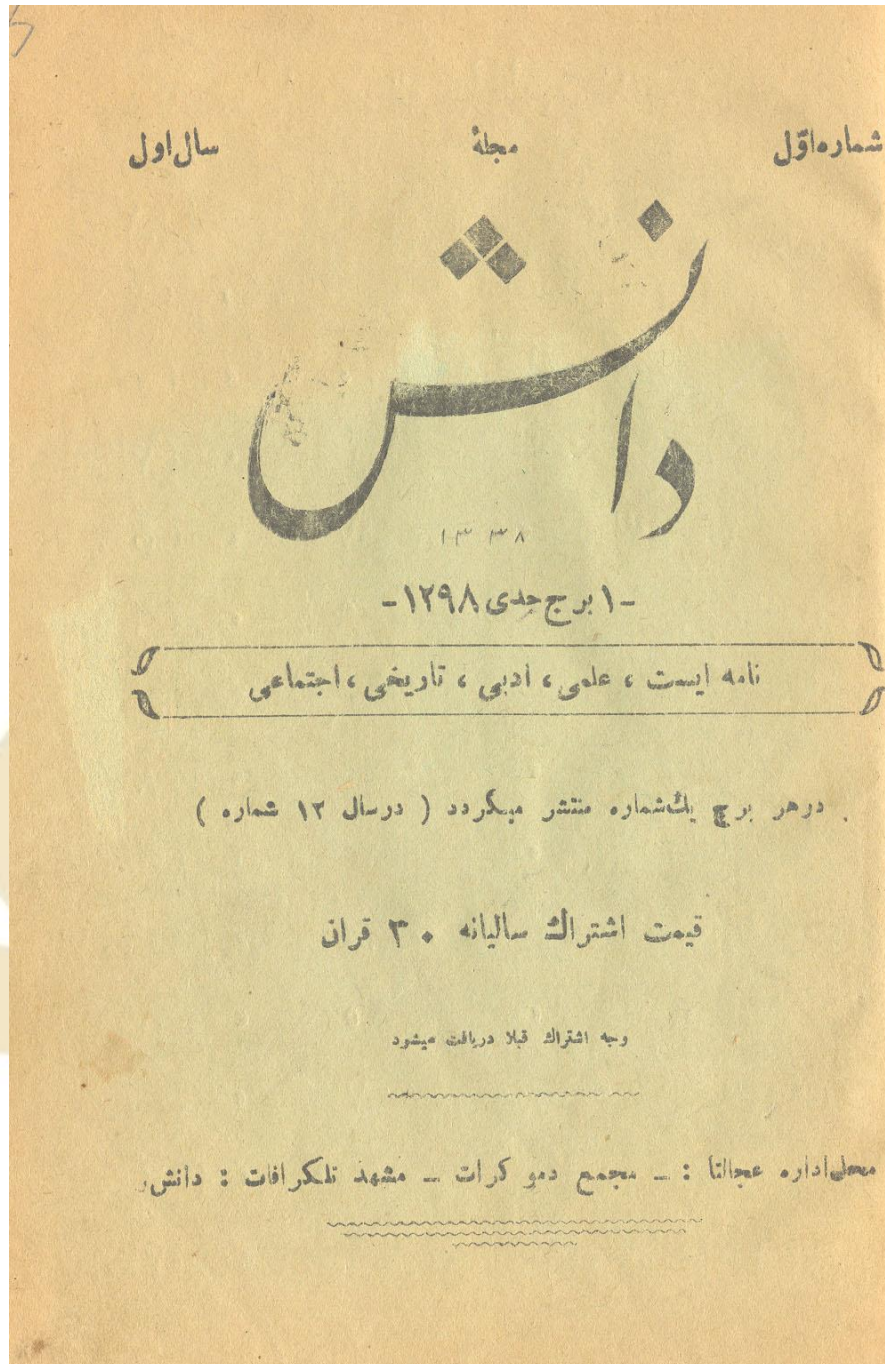
کتابخانه آستان قدس رضوی به عنوان بزرگترین مرکز آرشیوی شرق کشور، تنها مرکز آرشیوی کشور است که تک شماره منتشره مجله دانش را نگهداری می‌کند. و آنچه در این مقاله نوشته شده نتایجی است که نگارنده با مطالعه صفحه به صفحه شماره اول این مجله و سایر منابع مطبوعاتی و مکتوب مرتبط به دست آورده و سعی دارد نخستین تلاش‌های انتشار مجله‌نگاری خراسان را به نگارش درآورد.

معرفی نشریه

دانش، نخستین مجله خراسان است (تصویر شماره (۱)) که اولین شماره‌ی آن در ۱ برج جدی (دی) ۱۲۹۸ خورشیدی برابر ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۸ قمری مطابق ۲۳ دسامبر ۱۹۱۹ در مشهد منتشر شد. «تقاضای امتیاز انتشار این مجله در ۲۲ قوس (آذر) ۱۲۹۵ از طریق اداره معارف خراسان به نام سید محمد دانش درخواست شد که در ۲۳ صفر ۱۳۳۵ (۲۸ / ۹ / ۱۲۹۵) وزارت معارف امتیاز آن را صادر کرد» (بیات و کوهستانی، ۱۳۷۲، صص ۵۱۴-۵۱۵). از این نشریه فقط یک شماره آن هم سه سال پس از صدور امتیاز منتشر شد.

دوره ۷ شماره ۲۶ و ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹۴

نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، اسناد و مرکز اسناد استان قم در خرمی



تصویر شماره (۱): روی جلد مجله دانش

با اینکه تاکنون از کمال به عنوان نخستین مجله خراسان در منابع مطبوعاتی یاد شده بود (حافظی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۰) با کشف و معرفی مجله دانش این مقام از این مجله گرفته می شود. بنابراین مجله کمال، دومین مجله خراسان است که بعد



از هشت ماه از چاپ مجله دانش در اول سنبله (۲ شهریور) ۱۲۹۹ مطابق ۹ ذیحجه الحرام ۱۳۳۸ مطابق با ۲۴ اوت ۱۹۲۰ میلادی در موضوع دینی در شهر مقدس مشهد پدید آمد. جهان زنان، سومین مجله خراسان است که بعد از یک سال و یک ماه از انتشار مجله دانش و پنج ماه بعد از چاپ الکمال در جمعه ۱۵ بهمن ۱۲۹۹ شمسی برابر ۲۵ جمادی الاولی ۱۳۳۹ قمری مطابق با ۴ فوریه ۱۹۲۱ میلادی در مشهد منتشر گردید.

مدیر و موسس مجله دانش، محمد دانش، نوبت انتشار آن ماهیانه و محل اداره این نشریه مشهد، مجمع دموکرات و آدرس تلگرافی: مشهد- دانش و قیمت اشتراک سالیانه ۳۰ قران بود. نوع چاپ سربی، قطع نشریه ۱۵*۲۱ و تعداد صفحه های شماره اول ۵۰ صفحه است. مجله در مشهد مطبوعه خراسان چاپ گردید.

محمد دانش: مدیر و موسس مجله

سید محمد دانش بزرگ نیا فرزند حاج عبدالحسین معروف به طهرانی است که از معروفترین بازرگانان خراسان بود. وی به سال ۱۳۱۰ قمری (مطابق با ۱۲۷۰ خورشیدی) در مشهد به دنیا آمد و در اول فروردین ۱۳۴۷ خورشیدی درگذشت. محمد دانش نزد اساتیدی مانند ادیب نیشابوری، شیخ محمد حسین شیرازی و نصرت به کسب دانش پرداخت و شاعری معروف شد. وی از ابتدای مشروطیت در صف بزرگان این نهضت قرارداشت.

از خدمات برجسته دانش تاسیس نخستین دبیرستان در مشهد به نام «متوسطه دانش» بود و بعد هم در دوره چهارم مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم نیشابور را برعهده داشت. او چندین دوره ریاست انجمن شهرداری و اطاق بازرگانی مشهد را نیز داشته است.

دانش مردی شریف و فعال و دارای طبع عالی و در طراز اول شعرای معاصر محسوب می‌شود. دیوان وی به نام «راز دانش» در سال ۱۳۴۴ چاپ شد. وی مدتی نائب رئیس انجمن ادبی فرهنگستان بوده و مطالعات عمیقی در نثر و نظم ایران داشت. همچنین تذکره‌ای از شعرای خراسان تألیف نمود که هیچگاه یافت نشد (گلشن آزادی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۶).

نویسندگان مجله

مطالب مجله دانش را افراد مشهور و مهم مشهدی ترجمه و تألیف نموده‌اند. افرادی که هر یک در زمان انتشار مجله، یا روزنامه نگاری حرفه‌ای بودند (مانند منیر مازندرانی و محمد ملک زاده) و یا شاعر درجه یک کشوری (مانند محمود فرخ، محمد هاشم میرزا و ایرج میرزا). بنابراین برای تهیه و انتشار مجله دانش تلاشهای زیادی صورت گرفته و تیمی حرفه‌ای این نشریه را پشتیبانی می‌کردند. اسامی نویسندگان مجله دانش و مقالات آنها به همراه شرح مختصری از زندگی ایشان عبارتند از:



محمد دانش (تالیف: مقاله مجله دانش ص ۱ - ۲ و مقاله نویسندگی ص ۳ - ۱۰، ترجمه: دو برادر اثر لامارتین ص ۳۵ - ۳۶)،

منیر مازندرانی (مقاله انگلستان از ۵۵ سال قبل از میلاد تا ۱۹۱۹ (بقیه دارد): ص ۱۱ - ۱۶). محمد اسماعیل منیر مازندرانی صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه مهر منیر (۱۳۰۷-۱۳۹۹ خورشیدی) با موضوع سیاسی بود. وی با نوشتن مقالات تاریخی و ترجمه آثار خارجی و چاپ آنها در جراید خراسان به چهره های مطبوعاتی، فرهنگی و مورخ معروف شد (الهی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶-۱۱۸).

محمود فرخ (جنگ و اتارلو: ص ۱۷ - ۱۹). سید محمود فرخ خراسانی (مشهدی) (۱۲۷۵ - ۱۳۶۰ خورشیدی) از شاعران معاصر مشهدی است. وی علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه آن شهر و فنون ادب را در محضر شیخ محمدحسین سبزواری و پدر خود آموخت و در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت. وی دارای مشاغل مختلفی، از جمله: ریاست دفتر آستان قدس رضوی، نمایندگی مردم قوچان در دوره های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی بود. از آثار وی: "سفینه فرخ"؛ تصحیح "مجمل فصیحی"؛ تصحیح کتاب "روضه خلد"، مجد خوافی؛ "خلاصه احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی" (قیامی میرحسینی، ۱۳۹۱، ص ۴-۶).

محمد هاشم میرزا- افسر (قطعه شعر: وفای به عهد: ص ۱۹). محمد هاشم میرزا افسر قاجار (۱۲۵۷ - ۱۳۱۹ خورشیدی) ملقب به شیخ الرئیس و از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. نامبرده علوم مقدماتی را در سبزواری فراگرفت. فقه و اصول را نزد حاج میرزا حسین مجتهد سبزواری و علم ریاضی و کلام و فلسفه را از محضر حاج میرزا حسن حکیم و افتخارالحکماء آموخت. وی سمت های مختلفی چون نمایندگی مجلس شورای ملی در چندین دوره عهده دار بود. افسر از مؤسسان انجمن ادبی ایران بود و سال ها جلسات انجمن به ریاست او اداره می شد. او در تهران درگذشت. "کلیات اشعار" او در حدود چهارهزار بیت است (گلشن آزادی، ۱۳۷۳، ص ۹۰).

ادیب نیشابوری (یک قطعه شعر بدون عنوان: ۲۳ - ۲۵). عبدالجواد ادیب نیشابوری، ادیب، مدرس و شاعر نامدار دوره مشروطیت در سال ۱۲۸۱ قمری در روستای بیژن گرد از توابع نیشابور زاده شد. وی تحصیلات مقدماتی و عالییه را ابتدا در نیشابور و بعد در مشهد پیگیری نمود و از ۱۳۰۴ قمری تدریس حرفه ای را در مشهد آغاز کرد. ادیب در شعر نیز سرآمد زمان خود بود و افرادی مانند ادیب ملک الشعرا بهار، بدیع الزمان فروزانفر، محمود فرخ را تربیت نمود (جلالی پندری، ۱۳۶۷، صص ۲۵-۲۸).

ایرج - جلال الممالک (قطعه شعر اندرزنامه: ۲۵ - ۲۸)، شاهزاده ایرج میرزا - جلال الممالک - در سال ۱۲۵۳ خورشیدی در تبریز به دنیا آمد پدر و پدر بزرگش هر دو شاعر بودند و ایرج طبع شعری خویش را از آنها به ارث برد. وی در سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۳ خورشیدی سمت بازرس کل امور مالیه خراسان را برعهده داشت. پنج سال اقامت ایرج در خراسان، بارزترین دوران کوشش ادبی وی بود. شاعر نمیتوانست نسبت به جنبشهای آزادیخواهی که در همه جای کشور پدید آمده



بود بی اعتنا باشد و در اشعاری که در این زمان سرود سادگی و صمیمیت، عمق اندیشه و لحن افشا و اعتراض به طور کاملاً آشکار به چشم می‌خورد و در این سالهاست که او را به عنوان یک شاعر بزرگ ملی می‌شناسند. ایرج اوایل سال ۱۳۰۳ خورشیدی مالبه خراسان را رها کرد و به تهران آمد و تمام وقت خود را صرف فعالیت های ادبی نمود تا آنکه در سال ۱۳۰۵ در اثر سگته قلبی در گذشت (سپانلو، ۱۳۷۶، صص ۱۵-۱۹).

حسن؛ رئیس شعبه وصول مالیات (محاکمه عشق و جنون در محکمه بهشت (بسط سوژه فونتتن) (بقیه دارد): ۲۹ - ۳۴)، نام کامل نویسنده این مقاله با توجه به محتوای جنجالی آن عمداً ارائه نشده است. به نظر می‌رسد اسم (حسن) و سمت (رئیس شعبه وصول مالیات) نیز واقعی نیست.

دکتر مزین (مقاله بهترین طبابت ها ص: ۳۷ - ۴۰). اطلاعاتی درباره شرح زندگی دکتر مزین یافت نشد.

میرزا محمد خان ملک زاده (ترجمه سرگذشت اتالا - ره نه شاتو بریاند ص: ۱ - ۸)؛ ضمیمه مجله. محمد ملک زاده برادر کوچکتر ملک الشعراء بهار بود که در سال ۱۲۶۹ شمسی در مشهد متولد شد. وی تحصیلات خود را در رشته های ادبیات عرب و فلسفه در مشهد انجام داد و در کنار برادرش به فعالیت های فرهنگی و سیاسی پرداخت و به عضویت حزب دموکرات شاخه مشهد درآمد. ملک زاده در انتشار روزنامه های نوبهار و بهار همکاری داشت. وی در سال ۱۳۰۱ خورشیدی ریاست اداره معارف و اوقاف را برعهده داشت. ملک زاده در سال ۱۳۵۲ درگذشت (شهواری، ۱۳۸۳، صص ۶۱-۶۲).

حزب دموکرات ایران شاخه خراسان

ملک الشعراء بهار در سال ۱۳۲۵ قمری که نهضت و انقلاب مشروطیت نضج می‌گرفت در سلک مشروطه خواهان خراسان درآمد و شعبه حزب دموکرات شاخه خراسان را پی‌نهاد و در سال ۱۳۲۸ قمری روزنامه نوبهار را در خراسان بنیان گذارد (بهار، ۱۳۸۸، صص ۱۲۴-۱۲۸). بهار یکی از اعضاء کمیته اصلی حزب تندرو دموکرات خراسان بود که در اواخر ۱۳۲۸ قمری انتخاب گردید. پس از تشکیل این کمیته بهار، روزنامه نوبهار را به امتیاز و مسئولیت خویش به عنوان سخنگوی افکار حزب در مشهد انتشار داد. برخی از اعضای حزب دموکرات ایران شاخه خراسان عبارت بودند از: ملک الشعراء بهار (صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه نوبهار؛ وابسته به حزب دموکرات در خراسان)، میرزا محمد دانش (موسس و صاحب امتیاز مجله دانش؛ جزء کمیته محلی مشهد)، محمد ملک زاده (صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه تازه بهار و برادر بهار)، شیخ احمد بهار تهرانی (صاحب امتیاز و مدیر مسئول و سردبیر روزنامه بهار)، شمس المعالی دادستان (صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه چمن)، سید حسن مشکان طبسی (موسس و صاحب امتیاز مجله دبستان)، رفعت التولیه (مدیر مسئول روزنامه فکر آزاد)، ادیب بجنوردی، میرزا هاشم خان قزوینی (محیط مافی)؛ (صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه طوس)، فاضل بسطامی، عبدالله قوام الواعظین، حاجی ملا علیرضا حکاکان، حاجی ناظر، شیخ محسن گنابادی، سید حسین اردبیلی (موسس و صاحب امتیاز روزنامه خراسان) (شهواری، ۱۳۸۲، صص ۱۱۵).



بررسی اکثر روزنامه های اعضای حزب دموکرات ایران شاخه خراسان نشانگر حمایت افراد روزنامه نگار حزب از حقوق واقعی مردم و مبارزه با دشمنان خارجی و داخلی برای ایجاد کشوری متحد و موفق است. نگاهی به عنوان و تعداد نشریات تولیدی اعضای حزب دموکرات ایران شاخه خراسان نشان می‌دهد که نیمی از جرائد دوره قاجار خطه خراسان با همت و تلاش افراد این حزب مردمی پدید آمده است.

هدف و خط مشی نشریه

مجله دانش با رویکرد ادبی و هدف ترویج ادبیات تاسیس شد. دانش مدیر مجله در این زمینه می‌نویسد:
«مجله دانش، به قصد ترویج ادبیات و تجدید آثار متروکه بزرگان ایران و نقل افکار دانشمندان ملل و بیان سرگذشت گذشتگان تاسیس و اینک منتشر می‌گردد» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، ص ۱).

مدیر در ادامه برای اینکه جلوی هرگونه سوء استفاده سیاسی از مجله را بگیرد تذکر می‌دهد که «مجله دانش مقالاتی را که با اصول فوق و از طرف نویسندگان دانشمند دریافت دارد مخصوصا اگر در روی انتقاد ادبی که آخرین وسیله ترقی و تکمیل ادبیات شناخته شده جای داشته باشد با نهایت اشتیاق پذیرفته و نشر می‌دهد ولی باید بدانند که مناقشات و مبارزات سیاسی و خصوصی در ضمن سطور مجله ما راه نخواهد داشت و مقالات یا اشعاری که در قالب مدایح باشد در صفحات این مجله جای نخواهد داشت» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، ص ۱).

مسئول مجله دانش خط مشی نشریه را برای همکاری با خوانندگان و چاپ مقالات آنها اینگونه اعلام می‌کند:
«قارئین محترم هرگاه قطعات ادبی جالب توجه و یا ترجمه مفیدی به اداره بفرستید که با سبک مجله دانش موافق آید در درج آن مضایقه نخواهد شد ولی باید با خط خوانا و در یک روی کاغذ نوشته شده باشد» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، ص ۱).

دانش، موسس مجله با بیان مجهز نبودن نشریه اش وضعیت موجود مجله را صادقانه برای خوانندگان چنین می‌نویسد:
«اگرچه وسایل تکمیل یک مجله مفیده را (که عبارت از یک کتابخانه جامع با کتب گوناگون به زبان های مختلف، یک عده نویسندگان که هر یک متخصص در فن باشند و بالاخره مطبعه مخصوص و گراورسازی و هزاران چیز دیگر است) مجله فاقد است ولی به حکم آنکه هر کاری در بدایت امر لازم ملزوم نفایص و تکمیل آن به مرور ایام مربوط و به تلاش افکار محتاج است، ناامید نیستیم که در آینده نزدیکی موفقیت در ایجاد لوازم فوق حاصل آید» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، ص ۲).

مدیر مجله پس از آنکه واقعیت کنونی مجله دانش را مطرح کرد در ادامه نیت قلبی خود را از تاسیس مجله تکرار می‌کند:
«استفاده‌ای که از تاسیس این مجله نظر است فقط خدمتی است که ممکن است نسبت به اعاده روح ادبی و جلب توجه هموطنان به لزوم تدوین ادبیات ایران - انجام شود - والا به شهادت کسانی که به وضعیت زندگانی خصوصی موسس و به



روح عقائد آن آشنا هستند- از استفاده‌های مادی از طریق مطبوعات بی‌نیاز و فقط شدت اشتیاق و عشق مفرط به بسط معارف است که مرا به مبادرت به این اقدام وادار ساخته» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، ص ۲).
محمد دانش پس از مقدمات بالا به مشکلات مالی انتشار مجله و ارزانی قیمت مجله اشاره کرده و علاقمندان را به اشتراک مجله سوق می‌دهد:

«با گرانی لوازم طبع - قیمت اشتراک مجله کمتر از قیمتی که از طبع خارج می‌شود تعیین گردیده تا بر اشخاص که می‌خواهند قبول اشتراک نمایند سخت نباشد- و اشتراک مجله هم براهی تحمیل نمی‌شود- کسانس که به قرائت آن میل دارند- می‌توانند به وسیله تعیین آدرس اداره را به ارسال آن وادار سازند» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، ص ۲).
مدیران مجله شماره اول نشریه را به قصد ایجاد رغبت در اشتراک مجله برای عده خاصی ارسال کردند:
«شماره اول مجله دانش برای یک عده از آقایان که اسامی آنها از دفاتر مطبوعات خراسان انتخاب شده فرستاده می‌شود که مطالعه فرموده چنانچه به اشتراک آن رغبت نمودند قیمت اشتراک را ارسال والا مجله را به اداره عودت دهند» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، پشت جلد).

مجله برای تبلیغ و ترویج در آینده و ایجاد انگیزه اشتراک به بیان بخشی از مطالب شماره آتی خود می‌نماید:
«در این شماره به واسطه درج شرح حال : شاتو بریاند: و مقدمه رومان نویسنده مزبور از خود رومان چیزی درج نشده است قارئین محترم را به خواندن رمان نفیسی در آتیه وعده می‌دهیم» (مجله دانش، سال اول، شماره اول، پشت جلد).
مجله دانش مانند اکثر نشریات دارای غلط چاپی است. در آخرین صفحه مجله زیر عنوان غلط نامه ۱۶ غلط موجود در نشریه با ذکر صفحه، سطر و کلمه صحیح درج شده است.

محتوای نشریه

مجله دانش مقالات و مطالب خود را به تحقیق ادبی (مقاله نویسندگی)، مطالعات تاریخی (مقاله انگلستان از ۵۵ سال قبل از میلاد تا ۱۹۱۹ و جنگ واترلو)، ادبیات (قطعه شعرهای کوتاه، متوسط و بلند از شعرای قدیمی و معاصر با عنوان تواضع و فروتنی، تغزل و اندرزنامه)، آثار ادبی (محاكمه عشق و جنون در محكمه بهشت و دو برادر) و صحی (بهترین طبابت ها) تقسیم‌بندی نموده است. موضوع اصلی مجله دانش، ادبی به ویژه نقد ادبی است.

برای آشنایی بیشتر با سبک مطالب موجود در مجله دانش، بخشهایی از چهار مطلب این نشریه در زیر ارائه شده است:
بخشهایی از مقاله نویسندگی که نخستین مطلب مجله دانش است:

«نویسندگی»



نویسندگی یعنی ادای مقصود بوسیله تحریر. یکی از فنون عالییه و اهمیت آن در زندگانی بشر به قدری محسوس و روشن است که محتاج به شرح و بیان نیست. و همین قدر در اهمیت آن کافی است گفته می‌شود که بقای علوم، تواریخ و قوانین و غیره مربوط به نگارش و هر چه نوشته نشود پایدار نخواهد بود.

نوشتن که فایده و نتیجه آن تفهیم و تفهّم است از دو عنصر ترکیب می‌شود: الفاظ و معانی.

حسن بیان

بیان معانی بوسیله الفاظ صورت می‌گیرد. پس برای ادای هر مطلبی باید الفاظی مخصوص که مناسب با مقصود باشند انتخاب و استعمال گردد. و نگارش باید خیلی ساده و طبیعی بوده و مطلب با عبارات بیت تکلف ادا شود و الا مغایر با فلسفه نگارش و قابل استفاده عموم نیست. در عین حال نویسندگان برای آنکه مطلبی را که در نظر گرفته و می‌خواهند بنویسند جالب توجه خوانندگان بوده و در آنها حسن اثر بخشیده و در مطالعه آن مرارت دست ندهد باید در انتخاب کلمات و انسجام آنها کوشیده و در کار بردن شاهکارهای ادبی دقت و اهتمام نمایند.

زیرا حسن قبول اذهان در نگارش مربوط به فصاحت و فصاحت متعلق به الفاظ است ولی باید استعمال استعارات و تشبیهات بارده و تسجیعات متضمنه و جناسات ثقیله و لغات مرده و کلمات غیر مانوسه به شدت احتراز شود تا مورد حسن قبول اذهان واقع گردد.

نثر فارسی و اروپائی

اروپائیهها مخصوصاً نویسندگان امروزه کاملاً واقف به قواعد چیزنویسی بوده و افکار خود را با نهایت سادگی و طبیعی بیان و مقصود خویش را با دقت مجسم می‌سازند.

قلم نویسندگان اروپا مانند قلم یک نفر نقاش زبردست با طبیعت همدوش و همانطوری که نقاش ماهر صورت ظاهر را همان طوری که هست رسم می‌نماید آنها هم اخلاق و حالات روحیه را همانطوری که هست تشریح می‌کنند
فرنگیهای امروزه به نکات نویسندگی کاملاً بی‌پرده و نگارش خود را بر روی بیان معانی و شناساندن حقایق قرار داده‌اند ولی نویسندگان ما وقت و دقت خود را در چگونگی الفاظ و عبارت‌پردازی بکار می‌برند و آنها الفاظ را فدای معانی می‌نمایند.....
نوشته محمد دانش. (مجله دانش، شماره اول، ص ۳-۴).

بخشهایی از مطلب جنگ واترلو نوشته مهدی فرخ:

«جنگ واترلو vaterloo»

واترلو: قصبه معروفی است در نواحی بروکسل و سبب معروفیت آن جنگی است که در آن سرزمین بین (ناپلئون بناپارت) و قوای متحده انگلیس، آلمان، بلژیک [بلژیک] واقع و در نتیجه ناپلئون شکست یافت.

صبح روز هجدهم ژوئن سال ۱۸۱۵ بود که (ژنرال تالی) فرانسوی به فرمان ناپلئون با یک قسمت از قشون خود بر قوای انگلیس، و بلژیک که (ولنتون-wellinton) ژنرال انگلیسی بر آنها فرماندهی داشت؛ حمله برده و صفوف مقدم را در هم شکست بطوری که قوای بلژیک را تاب مقاومت نمانده و هزیمت یافت ولیکن ولنتون شجاع روبرو شدن با مرگ را بر پشت دشمن نمودن مرجح می‌داشت.



نیمی از روز گذشت و قوای روحیه قشون ولنتون در تحت تاثیر حملات درهم شکننده نابلتون دچار تشنج گردیده و می‌رفت دستوری را که صبح همان روز قشون کوچک خود به او آموخته بود به موقع اجرا گذارد...» (مجله دانش، شماره اول، ص ۱۷-۱۹).

بخشهایی از مقاله «بهترین طبابت‌ها»، تنها مطلب پزشکی مجله دانش:

«بهترین طبابت‌ها»

اغلب را عقیده این است که وقتی یک نفر مریض را به طبیعی رجوع دادند و طیب نهایت دقت را در معاینه منظور داشته و مریض را به سهولت صحت بخشید بهترین طبابت در حق او مجری گردیده است. اگرچه این مسئله نسبت به مریض معالجه شده کاملاً تصدیق می‌شود؛ ولی نباید آنرا بهترین طبابت بشری خوانده و جاهلانه قناعت نمائیم. زیرا شرایط طبابت به خوبی ملحوظ و مریض به سهولت معالجه شود باز هم مریض رنج درد را کشیده و تلخی دوا را چشیده است. پرستاران و بستگان بیمار هم هر کدام به قدر خود به بیداری دیده و خسارها متحمل شده‌اند. پس اگر طبابتی ممکن باشد که رنج تحمل درد و سختی تلخی دوا را جلوگیری کرده از ضررهای مالی ممانعت نماید آیا بهترین طبابت نخواهد بود؟ و آیا نباید در پی چنین معالجه کوشش کرده خود را از زحمات مرض و مریض‌داری مستخلص داریم؟» (مجله دانش، شماره اول، ص ۳۷).

بخشهایی از ضمیمه مجله دانش (تصویر شماره ۲) که نخستین ضمیمه مجله‌های خراسان نیز بشمار می‌رود:

«سرگذشت»

اتالا- رهنه

نوشته شاتو بریاند

ترجمه میرزا محمد خان ملک زاده

مشهد - ۱۳۳۸ قمری

شاتو بریاند

فرانسوا رهنه ویکت شاتوبریاند در تاریخ ۱۷۶۸ میلادی در سن مالو متولد و در ۱۸۴۸ در پاریس وفات یافت. شاتوبریاند دارای اخلاقی مالیخولیایی و گوشه‌گزین بود. دوره جوانی خود را به انزوا و مهجوری بسر برده پس از اتمام دوره تحصیلاتش به سمت سولیوتنان داخل در رژیمان ناوار گردید ولی بواسطه بی‌مبالاتی و لاقیدی در زندگانی از آنجا اخراج گشته و به مناسبت ذوقی که در ادبیات داشت در مجمع ادبی پاریس پذیرفته شد.

[...] اغلب از نگارشات و قطعات ادبی خود را در زمان حیات فروخته به شرط آنکه قبل از مرگش آنها را انتشار ندهند.

[...] اتالا- رهنه یکی از منشآت معروف و رمان مشهور شاتوبریاند است که یک قسمت آن از فصلی از همان کتاب ترویج مذهب مسیح که خود تالیف نموده استخراج شده است.

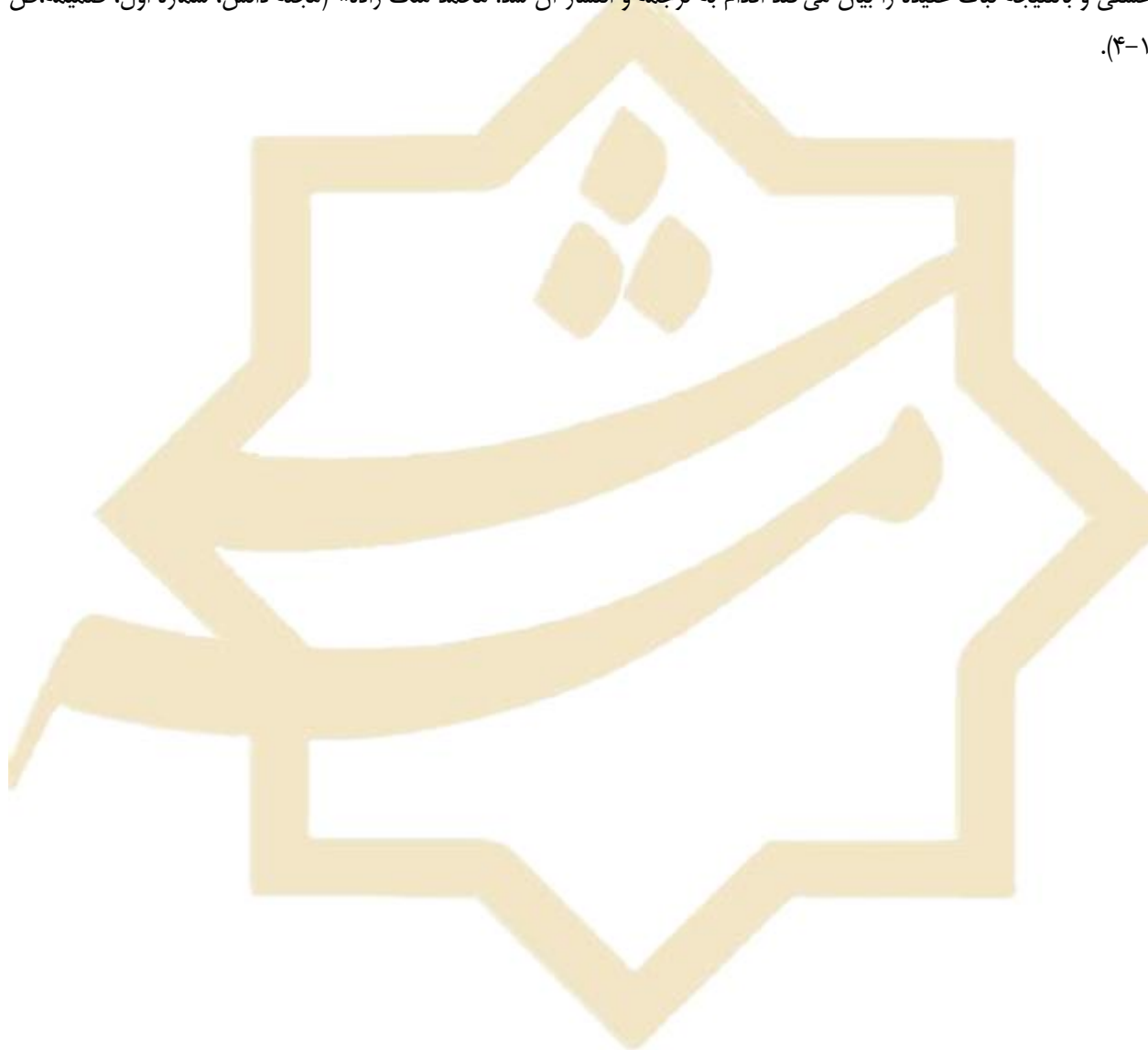


[...] قسمت اول (آتالا) سرگذشت زندگانی یک پیرمردی است موسوم به شاکتاس که برای رهنه حکایت می‌کند. این سرگذشت در چهار واقعه نگاشته شده: ۱- شکارچیها ۲- زارعین ۳- حادثه شوم ۴- تشییع جنازه.

قسمت دوم سرگذشت رهنه و ورود او به آمریکا است.

نظر به اهمیت نگارشات شاتو بریاند نویسنده معروف و زبردست فرانسوی و جالب توجه بودن این رمان که در حقیقت یک رمان عشقی و بالنتیجه ثبات عقیده را بیان می‌کند اقدام به ترجمه و انتشار آن شد. محمد ملک زاده (مجله دانش، شماره اول، ضمیمه، ص

۱-۴).



دوره ۷ شماره ۲۶ و ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹۴

نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، اسناد و مرکز اسناد آستان قدس رضوی



شاتو بریاند

Chateau briand

سرگذشت

اتالا - رنه

ATALA - RENÉ

ترجمه میرزا محمد خان ملک زاده

مشهد

۱۳۲۸



توقف نشریه

مجله دانش از ابتدا به قصد انتشار ماهانه و ۱۲ شماره در هر سال تاسیس گردید. همچنین وجود چندین مقاله که بقیه دارد (مقاله تاریخ انگلستان به قلم منیر مازندرانی، محاکمه عشق و جنون در محکمه بهشت نوشته حسن: رئیس شعبه وصول مالیات) و چاپ تدریجی رمان نفیس آتالا- رنه در شماره‌های آینده نشریه نشان می‌دهد مدیران مجله دانش قصد تداوم انتشار داشتند پس چرا این نشریه متوقف شد؟

آذری^۳ از پژوهشگران حوزه تاریخ خراسان، درباره حوادثی که منجر به توقف مجله دانش شد چنین می‌نویسد:

«گروه ما و چندتن از شاگردان مدرسه رحیمیه^۴ این مجله [دانش] را چون ورق زر دست به دست می‌کردیم و به ویژه از مقاله «قصر برلیان»^۵ [محاکمه عشق و جنون- در محکمه بهشت؛ بسط سوژه فونتن از حسن - رئیس شعبه وصول مالیات] آن لذت می‌بردیم. من همانجا به لذت معرفت، دست یافتیم. این ستاره درخشان که در آسمان مطبوعات سالهای نخست انقلاب مشروطیت طلوع کرده بود به مناسبت درج این مقاله و به توصیه چند نفر ... برای همیشه افول کرد. توقیف این مجله در چند نفر از رفقای هم کلاس من به ویژه خود من اثر شکننده‌ای گذارد و به همین لحاظ اغلب از این و آن مستفسر آزادی مجله «دانش» بودیم. آقا محمود آذر فرزند برومند شادروان حاج میرزا علی آقا تبریزی^۶؛ آیت الله روشنفکر و نماینده‌ی روشنفکر دوره اول مجلس ملی که او نیز بسیار پر حرارت و از شاگردان فعال این مدرسه بود، چند نفر از ما را به دور خود گردآورد و گفت: ما از توقیف مجله دانش خیلی متأسفیم اما امروزه روزنامه «تجدد»^۷ منطبعه تبریز به نام پدرم رسید و در این روزنامه نسبت به یکی از مقالات و شاید سرمقاله‌ی آن نوشته است:

^۳ میر سید علی آذری فرزند میر ولایت در سال ۱۲۸۲ خورشیدی در بادکوبه آذربایجان به دنیا آمد. میر سیدعلی دوران کودکی را در سراسکندر کرسی‌نشین هشتود آذربایجان گذراند. وی تحصیلات مقدماتی خود را در آذربایجان و مشهد و تحصیلات متوسطه^۸ خود را در مدرسه دانش گذراند. در سال ۱۲۹۹ش به علت از دست دادن پدر ترک تحصیل کرد و به خدمت فوائد عامه و فلاح و تجارت خراسان در آمد. وی در حین خدمت به علت علاقه به تحصیل در محضر دانشمندان وقت به کسب علم پرداخت. در سال ۱۳۰۹ش به تهران منتقل شد و به وزارت مالیه پرداخت. سپس به راه‌آهن شد و در سال ۱۳۳۴ش بازنشسته شد. از آثار وی: "عشق و سرنوشت"، "پایمردی"، "شعر؛ "پرای زن در قرن دیگر"، "انقلاب بیرنگ یا قیام کلنل محمد تقی پسیان در خراسان"، "زندگی حکیم ابوالقاسم فردوسی"، "فردوسی و امیر ابوعلی سیمجور"، "قیام خیابانی پیشوای تجدد و آزادی در تبریز"، "وصلت‌های گوناگون"، "خورشیدی در تاریکی تبعید درخشید"، "پرا، وعده زرتشت یا روح سلحشوری ایرانیان".

^۴ مدرسه رحیمیه سعادت از نخستین مدارس نوین در مشهد است که بعد از پیروزی مشروطیت با همت عبدالرحیم آقا صراف و مدیریت علی خان مسعود (مدیر الملک) در سال ۱۲۸۶ خورشیدی تاسیس و تا زمان دولتی شدن آنها در زمان رضا شاه فعال بود.

^۵ مقاله محاکمه عشق و جنون معروف به «قصر برلیان» مطلبی است که در آن به جزئیات زیبایی‌های زنان پرداخته شده است.

^۶ میرزا علی آقا تبریزی (تولد ۱۲۷۷ قمری - تبریز) مشهور به ثقة‌الاسلام تبریزی یا ثقة‌الاسلام دوم، از علمای آذربایجان و یکی از کشته‌شدگان جنبش مشروطیت ایران بود. او از مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان بود و در عاشورای ۱۳۳۰ هجری قمری در تبریز به دست روس‌ها به دار آویخته شد و کشته شد.

^۷ روزنامه تجدد در شهر تبریز و به مدیریت شیخ محمد خیابانی تاسیس و اولین شماره آن در جمادی الآخر سال ۱۳۲۵ قمری نشر یافته است. این روزنامه از سال تاسیس تا زمان شهادت شیخ محمد خیابانی در تبریز به صورت هفتگی انتشار می‌یافته است. شرح تاسیس این روزنامه به دست شیخ محمد خیابانی به این قرار است که پس از آنکه خیابانی و یارانش موفق شدند کنفرانسی ایالتی مرکب از ۴۸۰ نفر نمایندگان شهر تبریز و ولایات آذربایجان در شهر تبریز تشکیل دهند، کمیته ای به نام



«سیاست در مجله ما راه ندارد»، انتقاد مستدلی به قلم تئورسین عصر- یعنی شیخ محمد خیابانی نوشته شده است. قبل از خواندن آن انتقاد به این مجله علاقمند می‌شدم [بودم] ولی پس از خواندن انتقاد شدید شیخ اجل اندکی علاقه‌ام سست شد. در یک جای این انتقاد چنین مندرج است:

«اگر تو از سیاست بیزاری چرا قلم به دست گرفته‌ای؟ و چرا وارد جرگه مطبوعات شده‌ای؟ از کجا این وسوسه در دل محرر [نویسنده] جوان تولید می‌شوند؟» یکی از همکلاسه‌هایم به نام (لطیف) که پدرش در بالا خیابان دکان کلاه‌دوزی داشت به محمود آقا گفت: «انتقاد صد در صد وارد است و به اعتقاد من اگر مجله را توقیف نمی‌کردند امکان داشت در نویسنده‌ی مقاله مجله دانش اثر گذارد و حالا هم بی‌اثر نیست، اما شما با نفس عمل یعنی توقیف روزنامه و یا مجله مخالف نیستید؟» همه نظر او را تایید کردیم. این محمود آقا که در کشف حقایق صمیمانه کوشا بود، در واقع مخبر کمیسیون کوچک مدرسه ما نیز بود. هر گونه اخبار مهم را پیش از هر کسی او بین شاگردان که حرارتی داشتند شایع می‌ساخت.» (آذری، میرسیدعلی ۱۳۵۰. صص ۱۲-۱۳).

با توجه به سخنان آقای آذری، علت توقف مجله دانش را باید در سرمقاله «سیاست در مجله ما راه ندارد» روزنامه تجدد دنبال نمود. البته چون امکان استفاده از روزنامه تجدد برای نگارنده میسر نبود، متن سرمقاله مذکور با تجزیه و تحلیل آقای آذری در زیر ارائه شده است:

«مجله‌ای به نام «دانش» تحت مدیریت آقای میرزا محمد دانش «بزرگ نیا» فرزند مرحوم حاج عبدالحسین تاجر اصفهانی در مشهد منتشر شد، من در آن موقع شانزده ساله بودم و به مدرسه می‌رفتم. اولین شماره این مجله را گرفتم، یکی از مقالات آن به عنوان «قصر برلیان» توجه مرا جلب کرد و شایق بودم که شماره دوم آنرا هم مطالعه و از بقیه استفاده کنم؛ متأسفانه در آن محیط غبار آلود، در آن محیطی که فیده‌نیستها^۱ ترویج خرافات را بر انتشار این قبیل مجلات ترجیح می‌دادند. به مناسبت «قصر برلیان» موجبات توقیف مجله دانش را فراهم ساختند. اولین شماره این مجله در حوزه‌های مباحث علمی خیابانی مطرح و طرف توجه شاگردان مکتب تجدد خیابانی واقع شده بود. خیابانی به مناسبت انتشار این مجله ادبی شروع به نگارش انتقادی نمود که قبل انتشار، آن انتقادات به منزله درس در مکتب تجدد مورد گفتگو و بحث قرار می‌گرفت و منظور خیابانی از طرح این انتقاد در حوزه‌های جوانان ترویج ادبیات نو و در عین حال آشنا ساختن جوانان به وضع محیط و چگونگی تفوق و غلبه بر محیط بود.

[شیخ محمد خیابانی] با ابراز مسرت از انتشار «دانش» نوشت:

«ما که این سطرها را می‌نویسیم، او را نمی‌شناسیم در نگارش‌های او، عکس او را تماشا می‌کنیم، از روی سخن او، برخوردی و خلق، روح و ذهنیت او پی می‌بریم، و می‌بینیم که نگارنده مجله چگونه اعتراضات محیط را پیش‌بینی کرده [است].»

چون مجله دانش در مقصود و مرام مجله، بیزاری از مداخله در سیاست را متذکر و مخصوصاً مقید شده بود که «نویسندگان که می‌خواهند در امر نگارش مجله؛ تشریح مساعی نمایند باید بدانند که مبارزات و مناقشات سیاسی و خصوصی در ضمن مجله ما راه نخواهد داشت [...] اگر تکمیل یک مجله مفیده را (که عبارت از وجود یک کتابخانه جامع حاوی کتب گوناگون به السنه مختلفه، یک عده نویسندگان که هر یک متخصص در فنی باشند، بالاخره مطبعه مخصوص و گراورسازی و هزاران چیزهای دیگر است) عجلتاً مجله ما فاقد است. ولی به حکم آنکه هر کاری در بدایت امر لازم و ملزوم نقائص تکمیل آن

کمیته ایالتی انتخاب نمودند و فقید شهید شیخ محمد خیابانی امتیاز جریده تجدد را به منظور تئور افکار و ترویج مرام کمیته تحصیل نمود و آن را ارگان فرقه دموکرات قرار داد. روزنامه تجدد نزدیک به پنج سال تحت نظر شیخ محمد خیابانی به معارف مملکت خدمت نمود.

۱. فیده‌نیسم به موضع‌گیری معرفتی - نظری‌ای اطلاق می‌شود که عقیده (مذهبی) را به مثابه تنها بنیان تمامت شناخت قلمداد می‌کند و عقیده را برتر از عقل می‌شمارد.



با مرور ایام مربوط و بتلاحق افکار محتاج است، ناامید نیستیم که در آینده نزدیکی موفقیت در ایجاد و لوازم فوق حاصل آید» (مجله دانش، شماره اول،

صص ۱-۲)

خیابانی نوشت: «ما در ترسیم تثبیت این خطوط اساسی اصرار مخصوصی داریم و بی‌جهت نیست، این خطوط اساسی اولاً زمینه انتقادات را تشکیل خواهند داد. ثانیاً ما را در فرصت خواهند بخشید که پاره مسایل روحیه را نیز موضوع بحث کنیم. حالا در پیش چشمان خود، یک جوانی را می‌بینیم، که جوانی را که اولین شماره یک مجله را در دست خود بلند کرده، با آن حالت، داخل زندگانی عمومی ملی می‌گردد. این جوان با این حرکت، لاین شعور [بدون درک مطلب] متصدی نمی‌گردد. می‌فهمد که چه می‌خواهد بکند، عظمت مقصودی که برای خود معین نموده در پیش او آشکار است، در صورت موفقیت بهترین عظمت پاداش را نیز بخوبی تصور می‌کند، حتماً این عظمت ثانوی است که بر عظمت اولی چربیده و سائق تشبث او گردیده است.

شما که مخاطب این حرفها قرار گرفته‌اید، در پیش خود تصور می‌نمائید مناقشات و مبارزات سیاسی و خصوصی برخی از اشخاص و محررین، مطبوعات را به چه درک اسفل سرافکنندگی تنزل داده بوده است که قباحه را لکه‌دار ساخته است. تا چه حد مناقشات و مبارزات مذکوره باید مایه افتضاح و رسوائی بوده باشد، تا اینکه بتوانند امروز، یک تهدیدی تشکیل بدهند برای جوانان که قلم بدست گرفته می‌خواهند در این راه خدمت، قدم بزنند؟! محیط، مبارزات و مناقشات قلمی را در تحت چه شکل زشت و منفوری از ترس محیط، جوانان، اساساً منکر مناقشه و مبارزه می‌شوند؟!... و همچنین در مسئله پول، با قدری تعجب و حیرت فکر می‌کنید: این ادیب می‌گوید من برای پول کار نمی‌کنم؟ آیا پول فقط یک آلت افساد و تریذیل می‌باشد؟ و یا اینکه نه خیر! پول می‌تواند، مایه ترقیات و تکاملات مادی نیز بشود، در امور خیریه، پول یگانه زمامدار و یگانه فرماندار اعمال و افعال است... باز هم یک آلت تهدید محیط که به عنوان پول، تولد بیم و هراس می‌کنند؟... و متعاقباً از خود می‌پرسید: «از کجا این وسوسه‌ها در دل محرر جوان تولید می‌شوند؟

...انتقادات خودمان را راجع به مجله دانش از اولین سطر مجله شروع می‌شود:

در اولین سطر مذکور، این ترکیب را می‌خوانیم: «ترویج ادبیات» و فوراً از خود می‌پرسیم «کدام ادبیات؟» هرگاه نویسنده محترم مجله، لفظ ادبیات را در این مورد، با صفات (ایرانی) و (ملی) هم همراه می‌نمود، باز جواب سؤال داده نمی‌شد و آنوقت می‌پرسیدیم: «کدام ادبیات ایرانی؟ یا ملی؟» و احتیاج استفهام ما، باقی می‌بود. زیرا که مبهمیت زائل نمی‌شد. یک ادبیات قدیم ایرانی موجود است.

با وجود توغل [دور شدن] عمومی ایرانیان با ادبا و شعرای قدیم، چون این توجه فقط به آثار و ادبای معدوده است، اصلاً و اساساً مسئله ترویج ادبیات قدیم، خالی از اهمیت و فوریت نیست. ولی وسیله این امر ترویج قبل از مجله، عبارت از تجدید طبع کتب و دیوانهای ادبی و نشر این مطبوعات در میان ملت است. این یک شعبه دیگر از مشاغل و مجاهدات ادبی را بوجود می‌آورد و یک مجله، به تنهایی نمی‌تواند در این زمینه از عهده تمام کار برآید. یک مجله امروزی نمی‌تواند، صحائف [محتوای شماره‌های مختلف] خود را، وقف آثار دیروزی بنماید؛ این ممکن است کار یک نفر طابع با همت، یک کتابخانه ملی و ادبی باشد. یک مجله ادبی فقط در تحت عنوان «صحائف منسب» [کتابهای فراموش شده] می‌تواند از آثار گذشتگان، پذیرایی نموده، در ستونهای خود آنها را جلوه‌گر سازد. و در این صورت هم، باید مناسبت و مسائل جاریه را در نظر گردد و یا لااقل از نظر دور ندارد.

بنابراین ملاحظات گمان نمی‌بریم، مقصود نویسنده محترم، از «ترویج ادبیات» ترویج «ادبیات سالفه» [ادبیات گذشته] باشد. از طرف دیگر آن چیزی که امروز، در ایران (ادبیات معاصر) نامیده می‌شود، یک ادبیات مستقل و موجود نمی‌تواند شمرده شود. این ادبیات نیست. مگر انقراض [داغون کردن] پراکنده ادبیات قدیمه، این یک خرابه است که باعث شده است، در مقاماتی که عندلیبان سلف، زمانی مشغول سرودن گشته، پس از مدتی دم فرو بسته‌اند، یک سلسله از پرندگان ناقابل، متنوع را در انشاء نعمات خود آزاد سازد. (ما نمی‌خواهیم یادآوری از شب‌پره و بوم کنیم که حتماً لفظ (خرابه) در افکار قارئین تولید نموده است. نامی از آن طیور شوم نمی‌بریم.

ادبیات امروزی مستقل نیست زیرا که هنوز از نفوذ مستولی قدما خلاصی نیافته و طوق رقیبت هنوز در گردن او است.

آقای محمد دانش، در تاریخ هشتم حمل «فروردین» ۱۳۹۹ تلگرافاً در مقام تشکر برآمد و نوشت: صدمات عائده از توقیف مجله و کشمکشهای یاس‌آوری که محکمه تارویه مرهون قضاوت آنها است مایه تسلی خاطر گشت. بروز احساسات عالیه از ناحیه تجدیدپرور



تبریز که همیشه پیشرو کاروان آزادی و موسس ترقیات کشوری است در تاریخ مجله کوچک دانش نیکوترین افتخارات را تثبیت می‌نماید. (آذری، ۱۳۲۹، صص ۳۲۷-۳۳۳).

با بررسی سرمقاله روزنامه تجدد درباره مجله دانش و تلگراف تشکرآمیز آقای دانش مشخص می‌شود نویسندگان و مسئول نشریه داوطلبانه مجله را تعطیل نمودند تا شاید در زمان و فرصتی دیگر بتوانند آن را انتشار دهند اما هیچگاه شماره‌ای دیگر از مجله دانش چاپ نگردید.

سخن پایانی

مجله دانش به عنوان نخستین مجله خراسان با اینکه بیش از یک شماره از آن منتشر نشد و متوقف گردید ولی توانست تاثیر خوبی بر جامعه ادب پرور خراسان بگذارد بطوری که پس از این مجله شاهد تولد و رشد نشریات و روزنامه نگاران زیادی در این خطه بودیم که از جمله مهمترین آنها می‌توان به مجله الکمال، مجله جهان زنان، مجله دبستان، مجله طب کنونی، روزنامه آفتاب شرق و خراسان اشاره نمود.

منابع و مأخذ

- آذری، علی (۱۳۲۹). قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز. تهران: صفیعلیشاه.
- آذری، علی (۱۳۵۰). خورشیدی که در تاریکی تبعید درخشید. تهران: اقبال و شرکاء.
- آشوری، مهرا (۱۳۸۷). فهرست مجله‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران از آغاز تا پایان ۱۳۸۵. تهران: دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- برزین، مسعود (۱۳۷۱). شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی. -تهران: بهجت.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۸). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه. تهران: امیرکبیر.
- بیات، کاوه و کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۷۲). اسناد مطبوعات (۱۲۸۶ - ۱۳۳۰ ه.ش). تهران: سازمان اسناد ملی.
- جلالی پندری، یدالله (۱۳۶۷). زندگی و اشعار ادیب نیشابوری. تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- رسول اف، رامین (۱۳۸۹). نخستین‌های تاریخ روزنامه‌نگاری ایران. تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۶). شهر شعر ایرج: زندگی و نمونه آثار ایرج‌میرزا جلال الممالک. تهران: نشر علم.
- سودبخش، لیلا (۱۳۶۸). فهرست نشریات ادواری در کتابخانه مرکزی فارس. فارس: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس.
- شهوازی بختیاری، ستار (۱۳۸۳). نام‌ها و نامه‌ها: روایتی از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران خراسان در دوران قاجاریه. مشهد: ایوار.
- صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ جرائد و مجلات ایران / تألیف محمد صدرهاشمی. -اصفهان: کمال.
- قاسمی، فرید (۱۳۷۲). راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (۱۲۵۳ ق / ۱۲۱۵ ش - ۱۳۰۴ ش). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.



- قاسمی، فرید (۱۳۸۰). سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمدشاه و ناصرالدین شاه/ تألیف فرید قاسمی. - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاسمی، فرید (۱۳۸۳). اولین‌های مطبوعات ایران. تهران: آبی.
- قیامی میرحسینی، جلال (۱۳۹۱). دیوان محمود فرخ خراسانی. تهران: اردشیر.
- گلشن آزادی، علی اکبر (۱۳۷۳). صد سال شعر فارسی. به کوشش احمد کمالپور. مشهد: آستان قدس رضوی.
- الهی، حسین (۱۳۷۸). روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان. - مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- حافظی، ابراهیم (۱۳۹۰). نخستین نشریه دینی خراسان. مطبوعات بهارستان، س ۱، ش ۱، پاییز ۱۳۹۰.

